

فرمود که اگر عهد به منترکی قبول مسکر دم به یابو بر از قبول میگردند  
 یارسول الله اور اذله الیست شفقار ایتهما یسوف یستاده است  
 رسول صلی الله علیه وسلم بیره کلوح از زمین برده است و آب  
 دنان ببارک بران نذحت و فرمود که این را در آب نذر آرد  
 ای بخورد چون بران عمل کرد شفا یافت **و از این حدیث**  
 که چون در غزوه الرجیع که در سال چهارم از هجرت بود عالم این  
 نابت شکر شد دشمنان قصد کردند که سر ویر از تن جدا کنند  
 و بسلافة و خسر سعید فرستند که عالم رضی الله عنه در حرب اهل  
 کشته بود و وی نذر کرده بود که هر که سر عالم را بوی آرد کشته  
 بدم و چون بر سر وی دست یابد در کاسه سر وی خمر خورده حق سبحان  
 و تعالی زینبوران را فرستاد تا بگرد عالم در آن دو سر که نزدیک  
 می آمد شمشیر نذر آردی او و رزم میگرد و بهلاک نزدیک  
 می رسید کفقت چون شمشیر نمود و زینبوران دور شوند سر ویر  
 که چون شمشیر آمد ابرو ماران بسد استند و سلی عظم آمد و بدن  
 عالم را در بود امیر المومنین عیسی رضی الله عنه گفت که عالم نذر

کرده بود که تن بسج منترک را مساس نکند و مسج منترک تن او را  
 چون بوفای نذر خود قیام نمود حق سبحان و تعالی بعد از وفات  
 وی این اور از مساس منترکان نگاه داشت **و از این حدیث**  
 که جنیب بن عدی رضی الله عنه در غزوه الرجیع بود و بر آب  
 کرد نذر و منترکان مکه بصدد شتر بفرستند منترکان و بر آنجوس  
 ساحتند روزی ویرادند که نوشته انگویموزد و در مکه مسج  
 میوه نبود گفتند این میوه از کجا است گفت از زینب که  
 خدای تعالی این داده است **و از این حدیث** که چون نذر  
 که جنیب برد اگر کشته بر اهل مکه دعای بد آغاز کرد معاویه رضی  
 الله عنه گوید که از خوف دعای او ابوسفیان فرست که مراب  
 زمین خوابانند که در میان عرب شهرت داشت که هر که وقت  
 دعای بد بگوید بر زمین چشید دعای او روی از زمینت از پس  
 اضطراب که از بسیت دعای وی در ابوسفیان بسد است  
 مراضیان بر زمین زد که مدتها الم او از من شرفقت و گفته اند که  
 چون سالی نداشت از نظر کسان وی که کسی مانده بود امیر المومنین

کرده بودم